

نگرشی بر معانی فتنه در قرآن با استناد بر تفاسیر

لیلا قاسمی*

باب الله محمدی**

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۱/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۳/۳۰

چکیده

مقاله حاضر به بحث پیرامون معانی «فتنه» در قرآن کریم می‌پردازد. در این مقاله پس از تعریف لغوی کلمه «فتنه» با توجه به آیات قرآن، «فتنه» به عناوین فرعی همچون آزمایش و امتحان الهی، عذاب الهی، شرک به خدا، جنون و دیوانگی، آزار و اذیت مؤمنان، ضعف و ظلم پذیری (مسلط شدن ظالم بر مؤمن)، فساد بزرگ، گمراهی، فریب دادن (فریفتن)، معذرت خواستن و عذرخواهی، تقسیم شده است. آنگاه در هر عنوان آیات مربوط به آن با توجه به تفاسیر و تا حدودی با استفاده از روایات، مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. مهم‌ترین وسیله آزمایش و فتنه برای انسان، اموال و اولاد وی است؛ چرا که دلبستگی انسان به این دو بیش از هر چیز دیگر است.

کلیدواژه‌ها: قرآن کریم، فتنه، روایات، تفاسیر، امتحان الهی، عذاب الهی.

* عضو هیئت علمی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد گرمسار، گرمسار، ایران.

leila03ghasemi@yahoo.com

** دانش آموخته ارشد، دانشگاه معارف قرآن کریم، تهران، ایران.

مقدمه

در قرآن کریم مباحث فراوانی در جهت سیر انسان به سوی خدای متعال مطرح شده است. این امر باعث شده تا نخست ائمه معصومین علیهم السلام، و بعد از ایشان مفسران، تلاش وافر را به منظور تفسیر و بیان آن انجام دهند. در این زمینه مفسران گاهی با یکدیگر اتفاق نظر و گاه با یکدیگر اختلاف نظر دارند. یکی از این مباحث مطرح شده، معنی و کاربرد واژه «فتنه» در قرآن کریم است. در قرآن کریم واژه «فتنه» در موارد مختلفی ذکر شده است که موارد استعمال آن شباهت زیادی به یکدیگر ندارند و عملاً حکم مشترک لفظی را دارند. بسیاری از لغویین کوشش کرده‌اند مشترکات لفظی را به یک یا دو اصل برگردانند تا نشان دهند اصل این معانی، یک مفهوم را در ذهن تداعی می‌کند و آن عبارت است از اختلال همراه با اضطراب (شریفی، ۱۳۸۹: ۳۹). در حالی که موارد استعمال کلمه «فتنه» در قرآن کریم به نحوی بیان شده که نمی‌توان آن را مشترک معنوی محسوب کرد و گفت که ماده «فتن» در تمام آیات الهی به یک معنا به کار رفته است؛ زیرا در برخی موارد (انفال/ ۲۸)، به معنای آزمایش و امتحان و در موارد دیگر (ذاریات/ ۱۴)، به معنای عذاب به کار رفته است. بنابراین در این مقاله بر آن شدیم تا ۱- معانی لغوی کلمه «فتنه» در قرآن کریم را بیان کنیم. ۲- کاربرد معانی مختلف «فتنه» در آیات قرآن را بیان کنیم و با توجه به روایات و تفاسیر آن را شرح دهیم. ۳- معنی واژه «فتنه» را در آیات از نگاه معصومین علیهم السلام، بیان کنیم.

معنای لغوی فتنه

راغب در «مفردات» واژه «فتنه» را از «فَتَنَ» به معنای امتحان و آزمایش اتخاذ کرده است و می‌نویسد: «فتن گذاشتن طلا در آتش است تا خوبی آن از بدی آشکار شود» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ج ۱: ۵۲۸). در «لسان العرب» نیز «فتنه» به معنای امتحان و آزمایش به کار رفته است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۱۳: ۳۰۷).

اکثر لغویون از جمله مصطفوی در «التحقیق فی کلمات القرآن الکریم» (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۹: ۲۳)، قرشی در «قاموس قرآن» (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۵: ۱۲۷) و فراهیدی در «کتاب العین»

(فراهیدی، ج ۸: ۱۲۷) اصل کلمه «فتنه» را از «فتن» و به معنای گذاشتن طلا در آتش به منظور جدایی خالصی آن از ناخالصی به کار برده‌اند. در «روض الجنان»، «فتنه» این گونه معنا شده است: اصل «فتنه» به معنای امتحان و آزمایش است و «فتنه» بلیتی (بلاهایی) است که به سبب آن باطن انسان آشکار می‌شود (رازی، بی‌تا، ج ۹: ۹۴).

معنای اصطلاحی فتنه

هر چیزی که موجب اختلال و اضطراب شود، «فتنه» نامیده می‌شود (شریفی، ۱۳۸۹: ۳۹). به وجهی دیگر «فتنه» عبارت است از: اموری که موجب پیدایش تزلزل‌ها و اضطراب‌هایی در حوزه‌های اعتقادی، باورها و ارزش‌های فرد می‌شود (رک: مصباح یزدی، ۱۳۷۹: ۱۰۱-۱۰۳).

معانی فتنه در قرآن کریم

در این مقاله به ده معنی واژه «فتنه» پرداخته شده و سپس هر کدام با توجه با روایات و تفاسیر مورد بحث و تحلیل قرار گرفته است.

۱. فتنه به معنای آزمایش و امتحان الهی

در قرآن کریم «فتنه» با بیست گونه استعمال، شصت بار تکرار شده و کمتر از یک چهارم آن به طور مشخص معنای آزمایش دارد (مهدویان، ۱۳۸۶: ۲۵).

سنت آزمایش یکی از سنت‌های تغییرناپذیر الهی است. این سنت نه تنها درباره همه افراد انسانی، اعم از مؤمنان و غیرمؤمنان جاری است، بلکه درباره امت‌ها و جوامع نیز جریان دارد. امام علی (ع)، در این باره می‌فرماید:

«کسی نگوید خدایا، از آزمایش و فتنه به تو پناه می‌برم؛ زیرا هیچ کس گریزی از آزمایش و فتنه ندارد؛ لیکن دعا کند که از این بلایا در امان بماند» (نهج البلاغه: حکمت ۹۳، ۳۷۵).

برای نمونه به چند آیه اشاره می‌شود:

«فَرَجْنَاكَ إِلَى أُمِّكَ كَيْ تَقَرَّ عَيْنُهَا وَلَا تَحْزَنَ وَ قَتَلْتَ نَفْسًا فَجَجْنَاكَ مِنَ الْغَمِّ وَ فَتَنَّاكَ فُتُونًا» (طه/۴۰)؛ پس تو را به مادرت بازگردانیدیم تا چشمش به تو روشن شود و غمگین نشود! و تو یکی (از فرعونیان) را کشتی؛ اما ما تو را از اندوه نجات دادیم! و بارها تو را آزمودیم!

«أَحْسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ» (عنکبوت/۲)؛ آیا مردم گمان می‌کنند به صرف این که گفتند: «ایمان آوردیم» به حال خود واگذار می‌شوند و مورد آزمون قرار نمی‌گیرند؟

در این آیات کلمه «فتنه» به معنای آزمایش به کار رفته است.

گاه «فتنه» به معنای آزمایش و گاهی به معنای اسباب آزمایش است. قرآن کریم پنج مورد را اسباب فتنه و وسیله آزمایش معرفی می‌کند:

۱.۱. اموال و فرزندان

«وَاعْلَمُوا أَنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ وَأَنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ» (انفال/۲۸)؛ و بدانید که اموال و فرزندانتان وسیله آزمایش اند و خداست که پاداشی بزرگ در نزد اوست.

آیه خطاب به مؤمنان است و ارشاد به این که مال و اولاد شما اسباب آزمایش هستند، خود را نباید پای‌بند آن‌ها کنید و در دوستی با آن‌ها مرتکب خیانت به رسول ﷺ، شوید. «فتنه» در این گونه موارد به معنای وسیله آزمایش است و در حقیقت مهم‌ترین وسیله آزمون ایمان و کفر، شخصیت، و میزان ارزش انسانی اشخاص است؛ همین‌طور چگونگی به دست آوردن اموال، چگونگی خرج کردن آن، نحوه نگاهداری آن و میزان دلبستگی به آن، همگی میدان‌های آزمایش بشر است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۷: ۱۳۸). در کتاب «وسائل الشیعه» از امام علی (علیه السلام)، نقل شده است:

«خداوند، از اموال و اولاد که وسیله‌ای برای آزمایش انسان هستند به تو پناه می‌برم» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۷: ۷).

خداوند اطاعت‌پذیری و صداقت حضرت ابراهیم علیه السلام، را با همین اسباب آزمود. ایشان بعد از آن که از آزمون سربلند بیرون آمد، به مقام امامت و به مقام انسان کامل نائل شد (شریفی، ۱۳۸۹: ۳۲).

۲. ۱. شر و نیکی

«كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَ نَبْلُوكُمْ بِالشَّرِّ وَ الْحَيْرِ فِتْنَةً وَ إِنَّا نَرْجِعُونَ» (انبیا/۳۵)؛ هر انسانی طعم مرگ را می‌چشد! و شما را با بدی‌ها و خوبی‌ها آزمایش می‌کنیم و سرانجام به سوی ما بازگردانده می‌شوید.

علامه طباطبایی در مورد آیه مذکور دو نکته ارزشمند را بیان کرده است. ۱- برای هر صاحب‌حیاتی مرگ حتمی است؛ همچنین بازگشتی است به سوی خدای سبحان تا در آن بازگشت درباره‌اش داوری شود. ۲- اصولاً زندگی هر کسی حیاتی امتحانی و آزمایشی است؛ یعنی خداوند انسان را به آنچه کراهت دارد از قبیل مرض و فقر و امثال آن، و به آنچه دوست دارد، از قبیل صحت و غنی و امثال آن، می‌آزماید (علامه طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲۱: ۲۸۵).

در کتاب «مستدرک» از امام صادق علیه السلام، روایت شده است که علی علیه السلام، مریض شد. دوستانش به عیادتش رفتند و گفتند: خود را چگونه می‌بینی؟ فرمود: به شر. گفتند این شبیه سخن تو نیست؛ چرا که امثال تو این گونه سخن نمی‌گویند. فرمود: خداوند چنین فرموده است: «وَ نَبْلُوكُمْ بِالشَّرِّ وَ الْحَيْرِ فِتْنَةً» خیر، تندرستی و سرمایه است و شر، ناداری و بیماری است (محدث نوری، ۱۴۰۸، ج ۱: ۷). بنابراین خیر و شر از اسبابی است که برای آزمایش انسان به کار می‌رود.

۳-۱. بعضی وسیله آزمایش بعضی دیگر

«وَ مَا أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ مِنَ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا إِنَّهُمْ لَيَأْكُلُونَ الطَّعَامَ وَ يَمْشُونَ فِي الْأَسْوَاقِ وَ جَعَلْنَا بَعْضَكُمْ لِبَعْضٍ فِتْنَةً أَتَصْبِرُونَ وَ كَانَ رَبُّكَ بَصِيرًا» (فرقان/۲۰)؛ و پیش از تو پیامبران را نفرستادیم جز این که آنان [نیز] غذا می‌خوردند و در

بازارها راه می‌رفتند، و برخی از شما را برای برخی دیگر [وسیله] آزمایش قرار دادیم. آیا شکیبایی می‌کنید؟ و پروردگار تو همواره بیناست.

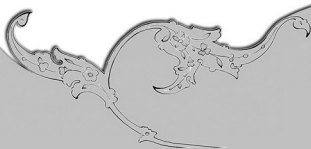
درباره معنای «فتنه» در این آیه چنین بیان شده است: برخی از شما را با برخی دیگر فتنه و آزمایش می‌کنیم و از جمله این ابتلای فقرا است به اغنیا و پیغمبران به امم ایشان و یا مراد ابتلای فقرای مؤمنان است به استهزاکنندگان؛ مریض به صحیح و بصیر به اعمی. خلاصه سخن آن که دنیا، دار ابتلا و امتحان است. از مقاتل مروی است که ابوجهل و ولید و نضر بن حارث و امثال ایشان هرگاه بلال، عمار، صهیب و سایر فقرای صحابه را می‌دیدند، می‌گفتند: آیا اسلام آوریم تا هم چون ایشان شویم (کاشانی، ۱۳۳۶، ج ۶: ۳۴۰). در «بحار الأنوار» «فتنه» در آیه مذکور به معنای اسباب امتحان و آزمایش است و آن این که فقیران به وسیله اغنیا و بالعکس آزموده می‌شوند (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۹: ۱۳۰). به هر حال ذکر این نکته در هر امتحان و فتنه‌ای لازم است و آن این که مهم‌ترین رکن پیروزی در تمام این آزمایش‌ها صبر و استقامت است. صبر و استقامت در برابر هوس‌های سرکشی که مانع از قبول حق می‌شود و همچنین شکیبایی در برابر مصائب که زندگی انسان در هر حال خالی از آن نخواهد بود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۵: ۵۱).

در «تأویل الآیات» از امام محمدباقر علیه السلام، درباره معنی «فتنه» و شأن نزول آیه شریفه چنین آمده:

روزی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، علی علیه السلام، فاطمه، سلام الله علیها، و حسنین علیهما السلام، را جمع کرد و در خانه را بست و به ایشان فرمود: شما اهل بیت من هستید. خداوند بر شما درود می‌فرستد و جبرئیل علیه السلام، نیز ناظر بر ماست. بدانید که دشمنان شما اسباب امتحانی برای شما هستند؛ بنابراین لازم است صبر پیشه کنید که خداوند پاداش نیکو عطا فرماید (حسینی استرآبادی، ۱۴۰۹: ۳۴۹).

۴.۱. مواهب مادی و همسران

«وَلَا تُمَدَّنْ عَيْنُكَ إِلَى مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ زَهْرَةَ الدُّنْيَا لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ



وَرَزَقُ رَبِّكَ خَيْرٌ وَأَبْقَى» (طه/۱۳۱)؛ و هرگز چشمان خود را به نعمت‌های مادی، که به گروه‌هایی از آنان داده‌ایم، می‌فکن! این‌ها شکوفه‌های زندگی دنیاست تا آنان را در آن بیازماییم و روزی پروردگارت بهتر و پایدارتر است!

آیه خطاب به رسول گرامی است که: با نعمت‌ها و وسایل آسایش زندگی که به بعضی بیگانگان ارزانی داشته‌ایم به منظور این که آن‌ها را به معرض آزمایش درآوریم هرگز به دیده حسرت و رغبت منگر و توجه مکن و فریفته آسایش آنان مباش که غرض، آزمایش است که سبب زیادی غفلت آنان شود و نعمت‌ها را به صورت نعمت درآورند (حسینی‌همدانی، ۱۴۰۴، ج ۱۰: ۵۳۳). مراد از کلمه «ازواج»، اصناف کفار و یا جفت‌های زن و شوهری از کفار است (کاشانی، ۱۳۳۶، ج ۶: ۳۶). جمله «زَهْرَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا» به منزله تفسیر است بر جمله «ما متعنا به» و کلمه «زهرة» منصوب به فعلی است در مقدر و تقدیر آن، یعنی «به- و یا جعلنا لهم- زهرة الحياة الدنيا» است و مقصود از «زهرة حیات دنیا»، زینت و بهجت آن است و کلمه «نفتنهم» از فتنه است که به معنای آزمایش و سنجیدن است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲۰: ۲۳۸).

۵.۱. القائنات شیطانی

«لِيَجْعَلَ مَا يُلْقِي الشَّيْطَانُ فِتْنَةً لِلَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَالْقَاسِيَةِ قُلُوبُهُمْ وَإِنَّ الظَّالِمِينَ لَفِي شِقَاقٍ بَعِيدٍ» (حج/۵۳)؛ هدف این بود که خداوند القای شیطان را آزمونی قرار دهد برای آن‌ها که در دل‌هایشان بیماری است و آن‌ها که سنگدل هستند و ظالمان در عداوت شدید دور از حق قرار گرفته‌اند.

از دیگر اسباب فتنه و آزمایش انسان، القائنات شیطان است. جایی می‌گوید: این کار به منظور سخت‌گیری در عبادت و امتحان است؛ یعنی خداوند تکلیف را بر آن‌هایی که در دل‌شان شک بود و سنگدل شده بودند، سخت گرفت و ناچار شدند فرق میان سخن محکم خدا و القای شیطان را بپذیرند (طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۷: ۱۴۶). لام در «ليجعل» لام تعلیل است که با آن القائنات شیطانی در آرزوهای انبیا را تعلیل می‌کند و می‌رساند که شیطان چنین

می‌کند تا خدا چنان کند و معنایش این می‌شود که: شیطان هم در شیطنتش مسخر خدای سبحان است و او را در کار آزمایش بندگان و فتنه اهل شک و منکران و مغروران، آلت دست قرار می‌دهد (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲۲: ۳۹۲).

۲. فتنه به معنای عذاب الهی

«فتنه» به معنای عذاب الهی به دو قسم است که کافران و مشرکان را شامل می‌شود:
۱- عذاب اخروی ۲- عذاب دنیوی.

الف. عذاب اخروی

۲. ۱. «ذُوقُوا فِتْنَتَكُمْ هَذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تَسْتَعْجِلُونَ» (ذاریات/۱۴): «عذاب موعود خود را بچشید، این است همان بلایی که با شتاب خواستار آن بودید». در اکثر تفاسیر از جمله مجمع البیان (طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۹: ۲۳۱)، منهج الصادقین (کاشانی، ۱۳۳۶، ج ۹: ۳۲)، و کشاف (زمخشری، ۱۴۰۴، ج ۴: ۳۹۷)، معنای «فتنه» در این آیه، عذاب تفسیر شده است. دلیل اصلی عذاب، باور نکردن قیامت و استهزای آن است؛ علی رغم این که پیامبران به آن شهادت می‌دادند، این عذاب در قیامت رخ خواهد داد (بانوی اصفهانی، ۱۳۶۱، ج ۱۳: ۳۰۸).

در «تفسیر المیزان» آمده که این آیه حکایت از خطاب خداوند متعال یا فرشتگان در روز قیامت به خراسان (دروغ بافان) است که در آتش جهنم در حال سوختن هستند و معنای آن این است که به ایشان گفته می‌شود: بچشید عذابی را که مخصوص شما است. این عذاب همان بود که عجله می‌کردید و به عنوان استهزا می‌گفتید: چه وقت می‌رسد (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۸: ۳۶۸).

ابن طاوس در کتاب خویش «سعد السعود» بیان می‌کند که همانا پیامبر ﷺ، و مؤمنان از خداوند می‌خواهند کفار و خراسان را به دلیل این که انبیا و دین ایشان را نپذیرفتند، عذاب دهد (ابن طاوس، بی تا: ۱۷۹).

ب. عذاب دنیوی

۲. ۲. «وَحَسِبُوا أَلَّا تَكُونَ فِتْنَةً فَعَمُوا وَصَمُوا ثُمَّ تَابَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ ثُمَّ عَمُوا وَصَمُوا كَثِيرٌ مِنْهُمْ وَ اللَّهُ بِصِيرٍ بِمَا يَعْمَلُونَ» (مائده/۷۱)؛ «و پنداشتند کفری در کار نیست، پس کور و کر شدند. سپس خدا توبه آنان را پذیرفت. باز بسیاری از ایشان کور و کر شدند، و خدا به آنچه انجام می‌دهند، بیناست».

این آیه به اعمال قوم یهود اشاره دارد. آن‌ها گمان می‌کردند چون از فرزندان یعقوب علیه السلام، هستند، عذابی در مقابل اعمال‌شان، نخواهد بود و خداوند به صرف یهودی بودن‌شان ایشان را از فتنه و عذاب نگاه می‌دارد؛ ولی عذاب بر آن‌ها نازل شد و کر و کور شدند، که توبه کردند و خداوند توبه آنان را پذیرفت؛ ولی باز هم نافرمانی کردند و به عذاب بدتری دچار شدند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۶: ۶۸). «فتنه» در اینجا به معنای عذاب است؛ آن هم عذابی که در همین دنیا بر قوم یهود اتفاق افتاد. پس از گذشت قرن‌ها نسل‌های بعدی بار دیگر به اخلاق ناپسند نیاکان خود بازگشتند و از دیدن و شنیدن حق، کور و کر شدند؛ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، را منکر شدند و خداوند به افعال آن‌ها بیناست و آن‌ها را دچار عذاب بدتری نسبت به قبل کرد. (جرجانی، ۱۳۷۷، ج ۲: ۴۱۳).

۳. فتنه به معنای شرک به خدا

۳. ۱. «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةً وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ فَإِنْ انْتَهَوْا فَلَا عُدْوَانَ إِلَّا عَلَى الظَّالِمِينَ» (بقره/۱۹۳)؛ با آنان بجنگید تا دیگر فتنه‌ای نباشد و دین، مخصوص خدا شود. پس اگر دست برداشتند، تجاوز جز بر ستمکاران روا نیست.

مفسران معنی واحدی برای کلمه «فتنه» در آیه مورد بحث اتخاذ کرده‌اند و آن شرک است. از جمله در «تفسیر آسان» آمده است که منظور از کلمه «فتنه» در این آیه، شرک به خدا است؛ چنان که این معنا از امام محمد باقر علیه السلام، روایت شده است. دین یعنی فقط اطاعت و عبادت به نحوی که مخصوص به خدا باشد و شیطان بهره‌ای از آن نداشته باشد. پس

اگر مشرکین دست از شرک برداشتند، شما بر آنان تعدی نکنید (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۱: ۴۲۶). از امام علی (علیه السلام)، نیز نقل شده است که منظور از کلمه «فتنه» در این آیه شرک است (عروسی حویزی، ۱۴۱۵، ج ۲: ۱۵۵). دلیل این که «فتنه» در این جا به معنای شرک است، جمله «وَيَكُونُ الدِّينُ لِلَّهِ» است؛ چرا که دین باید مخصوص خدای متعال باشد و قتال مشرکان نیز به خاطر همین امر دستور داده شده است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲: ۶۲).

۲.۳. «سَتَجِدُونَ آخِرِينَ يُرِيدُونَ أَنْ يَأْمَنُوا قَوْمَهُمْ كَمَا رَدُّوا إِلَى الْفِتْنَةِ أُرْكِسُوا فِيهَا فَإِنْ لَمْ يَعْتَزِلُوكُمْ وَيُلْقُوا إِلَيْكُمُ السَّلَامَ وَيَكْفُوا أَيْدِيَهُمْ فَخُذُوهُمْ وَاقْتُلُوهُمْ حَيْثُ ثَقِفْتُمُوهُمْ وَأُولَئِكُمْ جَعَلْنَا لَكُمْ عَلَيْهِمْ سُلْطَانًا مُبِينًا» (نسا/۹۱)؛ «به زودی گروهی دیگر را می یابید که میل دارند هم از جانب شما و هم از جانب قبیله و قوم خودشان آسوده و در امان باشند؛ اما استعداد دارند که هرگاه کفر و فتنه گری زمینه پیدا کند، خود را در آن ورطه ها فعال کنند. پس اگر از شما کناره نرفتند و به شما پیشنهاد صلح ندادند و دست از جنگ با شما برنداشتند، هر جا به آن ها دسترسی پیدا کردید آن ها را بکشید. ما برای شما علیه این گونه افراد تسلطی قاطع اراده فرموده ایم».

بعضی از تفاسیر در شأن نزول این آیه گفته اند: از امام باقر و امام صادق (علیه السلام)، نقل است که آیه درباره عیینه بن حصین نازل شد که در بلاد آن ها قحطی روی داد، او به مدینه آمد و خواست که در «بطن نخل» ساکن شود و به مسلمانان تعرض نکند. او مردی منافق و ملعون بود. رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم)، به او لقب «الاحق المطاع فی قومه» داد؛ یعنی نفهمی که قومش از او اطاعت می کنند (طیب، ۱۳۷۸، ج ۴: ۱۶۷).

درباره مفهوم کلمه «فتنه» در آیه شریفه دو وجه را ذکر کرده اند: ۱- شرک و کفر؛ ۲- جنگ و قتال. ولی در بیشتر تفاسیر از جمله «مجمع البیان»، «المیزان»، «التبیان»، «روح المعانی» و «روض الجنان و روح الجنان» مفسران وجه اول را پذیرفته اند. در تفسیر «مجمع البیان» آمده که مراد از «فتنه» در این جا به معنای شرک است و منظور از «أُرْكِسُوا فِيهَا» یعنی به پیمان خود برمی گردند. بنابراین منظور این است که: هرگاه در معرض آزمایش قرار می گیرند که به کفر بازگردند، باز می گردند (طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۳: ۱۳۷).

۳.۳. «وَالْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ وَلَا تُقَاتِلُوهُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ حَتَّى يُقَاتِلُوكُمْ فِيهِ فَإِنْ قَاتَلُوكُمْ فَاقْتُلُوهُمْ كَذَلِكَ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ» (بقره/۱۹۱)؛ «و فتنه از کشتار هم بدتر است! و با آن‌ها، در نزد مسجدالحرام، جنگ نکنید! مگر این که در آنجا با شما بجنگند. پس اگر با شما پیکار کردند، آن‌ها را به قتل برسانید. چنین است جزای کافران».

کلمه «فتنه» در لسان این آیات به معنای شرک است. به این که بتی برای خود اتخاذ کنند و آن را بپرستند؛ آن طور که مشرکین مکه مردم را وادار به آن می‌کردند. دلیل این که فتنه به معنای شرک است جمله: «وَيَكُونُ الدِّينُ لِلَّهِ» است (طباطبایی، ۱۳۷۴: ج ۲: ۸۹). هم چنین در بسیاری از تفاسیر کلمه «فتنه» به معنای شرک و بت پرستی به کار رفته است (رک: المحرر الوجیز، ۱۳۸۱، ج ۱: ۲۶۲؛ بحر العلوم، ۱۳۷۳، ج ۱: ۱۲۸؛ مجاز القرآن، ۱۳۸۱، ج ۱: ۶۸؛ خلاصه المنهج، ج ۱: ۱۱۱). در کتاب «بناء المقالة» درباره کلمه «فتنه» در جمله «الْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ» می‌گوید:

«منظور از فتنه آزار و اذیت امیرمؤمنان (علیه السلام) است» (ابن طائوس، ۱۴۱۱: ج ۱: ۷۸).

۴. فتنه به معنی جنون و دیوانگی

«فَسَتَّبِعِرْ وَبُصِرُونَ، بِأَيِّكُمْ الْمَفْتُونُ» (قلم/۵-۶)؛ «و به زودی تو می‌بینی و آنان نیز می‌بینند که کدام یک از شما مجنونید».

در آیات قبل این سوره، مشرکان به خاطر نبوت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)، به ایشان نسبت دیوانگی می‌دادند؛ از جمله آن افراد ولید بن مغیره بود (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۲: ۷۸). ولی خداوند می‌فرماید: تو به دلیل نبوت، دیوانه نیستی؛ و گرنه خدا به تو رسالت نمی‌داد (کاشفی سبزواری، ۱۳۶۹، ج ۱: ۱۲۸۲).

در ادامه، آیه شریفه اثبات می‌کند که خود مشرکان هستند که به جنون مبتلا شده‌اند. در «تفسیر نمونه» مفتون اسم مفعول از «فتنه» به معنی ابتلا گرفته شده است و به معنی ابتلای به جنون است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۲، ج ۲۴: ۳۷۳). محمد بن عباس از ضحاک بن

مراحم روایت کرد: «چون قریش مشاهده کردند که پیغمبر اکرم ﷺ، امیرالمؤمنین علی را مقدم داشته، بزرگ می‌شمارد، فریاد کردند و گفتند: پیغمبر فریفته علی است، شده و به وی نسبت دیوانگی می‌دادند (بروجردی، ۱۳۶۶، ج ۷: ۲۱۷). در «المحاسن» از پیامبر اکرم ﷺ، آورده شده است که ایشان فرمودند: مؤمنی نیست مگر این که قلبی خالص داشته باشد و قلبی خالص نیست مگر دوستی و حب علی است، در آن باشد. کفار به دلیل این که پیامبر اکرم ﷺ، امام علی است، را بسیار دوست داشتند به وی لقب مجنون دادند (برقی، ۱۳۷۱، ج ۱: ۱۵۱). در روایات متعددی آمده است زمانی که پیغمبر اکرم ﷺ، دست امام علی را در غدير خم بالا بردند برخی او را مجنون دانستند و گفتند: وی فریفته علی است، شده است. در همین هنگام بود که آیه‌های مذکور نازل شد (فرات کوفی، ۱۴۱۰، ج ۱: ۴۹۶؛ بحرانی، ۱۴۱۶، ج ۵: ۴۵۷).

همچنین طبرسی در تفسیر خود می‌فرماید: مقصود از «فتنه» در آیه ذیل این است که مشرکان هنگام عذاب می‌فهمند که آن‌ها جنون داشتند که پیامبر ﷺ، را تکذیب کردند و دین ایشان را نپذیرفتند (طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۱۰: ۵۰۱). معنای جنون در بسیاری از کتب روایی از جمله «بحار» درباره معنی «فتنه» نقل شده است (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۹: ۱۶۳).

۵. فتنه به معنای آزار و اذیت مؤمنان

«إِنَّ الَّذِينَ فَتَنُوا الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَتُوبُوا فَلَهُمْ عَذَابُ جَهَنَّمَ وَلَهُمْ عَذَابُ الْحَرِيقِ» (بروج/۱۰): «به یقین آنان که مردان و زنان مؤمن را آزار دادند، سپس توبه نکردند، عذاب دوزخ و عذاب آتش سوزان دارند».

کلمه «فتنه» به معنای رنج، درد و شکنجه است. این آیه شامل اصحاب اخذود و مشرکین قریش می‌شود که گروندگان به رسول خدا ﷺ، را شکنجه می‌دادند، تا از دین اسلام بازگردند (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲۰: ۲۵۲).

در «تفسیر نمونه» نیز کلمه «فتنه» به معنای آزار و شکنجه مؤمنان به کار رفته است. همچنین در این آیه به دو نکته لطیف اشاره می‌شود: ۱- بعد از بیان جنایت عظیم

شکنجه‌گران اقوام پیشین که مؤمنان با استقامت را، زنده زنده در آتش می‌سوزاندند، در این آیات به کیفر سخت الهی نسبت به آن شکنجه‌گران و پادشاه‌های عظیم مؤمنان اشاره می‌کند؛ ۲- جمله «ثُمَّ أَمْيُتُوبُوا» نشان می‌دهد که راه توبه حتی برای چنین شکنجه‌گران ستمگری باز است و این بیانگر نهایت لطف پروردگار نسبت به گنهکاران است؛ ضمناً هشدار می‌دهد که مردم مکه که دست از آزار و شکنجه مؤمنان بردارند و به سوی خدا بازگردند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۲: ج ۱۲: ۳۴۴).

در کتاب شرح نهج البلاغه بیان شده است:

«فتنه در این آیه به معنای آزار و اذیت است و از آنجا که مؤمنان از اسلام برنگشتند، به وسیله کفار در مکه مورد آزار و اذیت قرار گرفتند» (ابن ابی الحدید معتزلی، ۱۴۰۴: ج ۱۸: ۲۴۸).

در تفاسیر «کشاف» (زمخشری، ۱۴۰۷: ج ۴: ۷۳۲) و «مفاتیح الغیب» بیان شده است که آزار و شکنجه مؤمنان توسط اصحاب اخدود انجام گرفته است و آن‌ها مؤمنان را بعد از شکنجه‌های مختلف می‌سوزاندند (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۱۱۲). نجفی خمینی در تفسیر خود آزار و شکنجه مؤمنان را همچون علامه علاوه بر اصحاب اخدود به قریش هم نسبت می‌دهد. وی می‌نویسد: روزی که ابوجهل در برابر مردم مکه و اشراف قریش مسلمانان را شکنجه می‌داد تا از اسلام برگردند، فضا را بوی گوشت سوخته و دود پر کرده بود (نجفی خمینی، ۱۳۹۰، ج ۱۸: ۲۱۷).

۶. فتنه به معنای ضعف و ظلم‌پذیری (مسلط شدن ظالم بر مؤمن)

«فَقَالُوا عَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْنَا رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِّلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ» (یونس/۸۵)؛ پس عرض کردند: «ما بر خداوند توکل می‌کنیم. پروردگارا، ما را وسیله آزمون قوم ستمکار قرار نده».

این آیه پاسخ مؤمنان است که دعوت موسی (ع) را اجابت کردند و گفتند: «ما تنها بر خدا توکل داریم» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۲، ج ۸: ۳۶۸). در «تفسیر المیزان» درباره این آیه

آمده است که علت و انگیزه این که چنین حاجتی را خواستند، این است که آنچه اقویای ستمگر را برضعفای مظلومین مسلط می‌کند ضعف طبقه ضعیف است. پس ضعیف به علت همان ضعیفی که در او است، فتنه قوی و مورد ستم اوست (طباطبایی، ۱۳۷۴: ج ۱: ۱۶۷).

در بعضی از تفاسیر، وجوه مختلفی برای کلمه «فتنه» در این آیه ذکر شده است که برخی را بیان می‌کنیم: ۱- قرار مده ما را مفتون ظالمین؛ یعنی ظالمین را تمکین مفرما بر ظلم ما به تحمیل آنچه ما را از دین خارج کند؛ ۲- آن‌ها را بر ما مسلط مفرما تا گمان برند که آن ظفر و فتحی است و بر ما چیره شوند (حسینی، ۱۴۰۴، ج ۵: ۳۸۰)؛ ۳- در روایتی که زرارہ و محمد بن مسلم از امام باقر و صادق علیهما السلام نقل کرده‌اند چنین است که فرموده‌اند: معنای آیه این است که (پروردگارا) اینان را بر ما مسلط مگردان تا در نتیجه آن‌ها را وسیله آزمایش ما گردانی (طبرسی، ۱۳۶۰: ج ۵: ۱۹۳).

۷. فتنه به معنای فساد بزرگ

«وَالَّذِينَ كَفَرُوا بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ إِلَّا تَفْعَلُوهُ تَكُنْ فِي الْأَرْضِ وَفَسَادٌ كَبِيرٌ» (انفال/۷۳)؛ و کسانی که کفر ورزیدند یاران یکدیگرند. اگر این [دستور] را به کار نبندید، در زمین فتنه و فساد بزرگ پدید خواهد آمد.

در بسیاری از تفاسیر همچون «منهج الصادقین»، «اطیب البیان»، «روض الجنان و روح الجنان» و «کشف الاسرار»، فتنه را در آیه مورد بحث به معنای فساد بزرگ بیان کرده‌اند و فساد عبارت است از زوال نظام مؤمنان و متفرق شدن آن‌ها از یکدیگر (مبیدی، ۱۳۷۱: ج ۴: ۸۳). اندلسی نیز همانند مفسران دیگر منظور از «فتنه» را در آیه مذکور، فساد بزرگ بیان می‌کند و مفهوم فساد را ظاهر شدن شرک در جامعه می‌داند (اندلسی، ۱۴۲۰: ج ۵: ۳۹۵).

این آیه هشدار به مسلمانان در رابطه با پیوند آن‌ها با کافران است. خداوند به مسلمانان هشدار می‌دهد که اگر این دستور مهم اسلامی را نادیده بگیرند؛ یعنی با کفار رابطه برقرار کنند، فتنه و فساد عظیمی در زمین و در محیط جامعه به وجود خواهد آمد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۲: ج ۷: ۲۵۸). در بسیاری از روایات از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، نقل شده است: اگر کسانی

بودند که در خلق و خوی و ایمان با یکدیگر یکسان بودند با همدیگر ازدواج کنند و گرنه فسادی بزرگ جامعه را در بر خواهد گرفت (شیخ کلینی، ۱۳۶۵: ج ۵: ۳۷۴). بنابراین با توجه به روایات نیز معنای کلمه «فتنه» در این آیه فساد خواهد بود. در کتاب «التّهذیب» نیز روایتی نزدیک به همین مضمون از امام علی (ع) نقل شده است: پیامبر اکرم (ص) فرمود: اگر کسانی بودند که در خلق و خوی و ایمان با یکدیگر یکسان بودند با یکدیگر ازدواج کنند. پرسیدند: اگر نسب ایشان بدکاره بود چه؟ فرمودند: ازدواج کنید. در غیر این صورت فسادی بزرگ جامعه را در بر می‌گیرد (شیخ طوسی، ۱۳۶۵: ج ۶: ۳۵۴).

۸. فتنه به معنای گمراهی

۸. ۱. «وَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ فِتْنَتَهُ فَلَنْ تَمْلِكَ لَهُ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا» (مائده/۴۱): «و هر که را خدا بخواهد به فتنه درافکند، هرگز در برابر خدا برای او از دست تو چیزی بر نمی‌آید». اینجا منظور از «فتنه»، ضلالت و گمراهی است، عدم تطهیر راجع به کفر و نفاق است، این که خدا ضلالت و عدم پاکی دل‌ها را اراده می‌کند علتش اعمال انسان است (قرشی، ۱۳۷۱: ج ۳: ۷۴). برخی نیز مدلول آیه را قوم یهود دانسته‌اند (طوسی، بی‌تا، ج ۴: ۸۳)؛ زیرا آنان چنان در گمراهی فرو رفته‌اند و افکارشان به قدری متحجر شده که بدون هرگونه اندیشه و مطالعه آنچه را که برخلاف مطالب تحریف شده آنان باشد رد می‌کنند و به این ترتیب امیدی به هدایت آن‌ها نیست، و خداوند می‌خواهد به این وسیله آن‌ها را مجازات کرده، رسوا کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۲: ج ۴: ۳۸۵). پسران یعقوب (ع)، نیز بر اساس آیه ۸ یوسف که می‌فرماید:

«إِذْ قَالُوا لِيُوسُفُ وَأَخُوهُ أَحَبُّ إِلَيْنَا مِمَّا وَخْنُ عَصَبَةٍ إِنَّ أَبَانَا لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ»
پدر خویش را در گمراهی دانستند که مقصودشان از گمراهی، کج سلیقه‌گی و فساد روش است، نه گمراهی در دین.

در تفاسیر «کشف‌الاسرار» و «مفاتیح‌الغیب»، فتنه در آیه مذکور به معنای ضلالت و کفر معنا شده است؛ یعنی خداوند قوم مشرک (یهود) را به کفر و گمراهی می‌کشاند؛ زیرا آن‌ها می‌خواستند پیامبر اکرم (ص) را فریب دهند (میبدی، ۱۳۷۱: ج ۳: ۱۱۹؛ فخر رازی، ۱۴۲۰،

ج ۱: ۳۶۰). در کتاب «مجمع البحرین» (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۶: ۲۹۱) و کتاب «بحار الأنوار»، فتنه به معنای عذاب بیان شده است (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۵: ۱۰۹) که با توجه به سیاق آیه بعید به نظر می‌رسد. همچنین در کتاب حدیث «بحار» برای این معنا پشتوانه حدیثی وجود ندارد.

۸. ۲. «فَإِنَّكُمْ وَمَا تَعْبُدُونَ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ بِفَاتِنِينَ» (صافات/۱۶۲-۱۶۱)؛ [ای پیامبر! بگو: شما و آنچه می‌پرستید، نمی‌توانید مؤمنان را علیه خداوند گمراه کنید].

در تفسیر گازر مقصود از «فتنه» در آیه شریفه گمراهی بیان شده است (جرجانی، ۱۳۷۷، ج ۸: ۱۳۴). آیه خطاب به مشرکین است که شما و آنچه را که پرستش می‌کنید، چنین قدرتی نخواهید داشت که بتوانید کسی را فریب بدهید و گمراهش کنید، مگر کسی را که از اهل دوزخ باشد (بانوی اصفهانی، ۱۳۶۱، ج ۱۱: ۱۲۴). اکثر مفسران و لغویون از جمله طریحی کلمه «فاتنین» را از فتن و به معنای گمراهی بیان کرده‌اند (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۶: ۲۹۳).

۹. فتنه به معنای فریب دادن (فریفتن)

«يَا بَنِي آدَمَ لَا يَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطَانُ كَمَا أَخْرَجَ أَبَوَيْكُم مِّنَ الْجَنَّةِ يَنزِعُ عَنْهُمَا لِبَاسَهُمَا لِيُرِيَهُمَا سَوْآتِهِمَا إِنَّهُ يَرَاكُمْ هُوَ وَقَبِيلُهُ مِنْ حَيْثُ لَا تَرَوْنَهُمْ إِنَّا جَعَلْنَا الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاءَ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ» (اعراف/۲۷)؛ «ای فرزندان آدم، شیطان شما را نفریبد! چنان که پدر و مادر شما را از بهشت بیرون راند؛ در حالی که لباس‌شان را از (تن) آنان برمی‌کند تا شرمگاه‌هایشان را به آنان بنمایاند».

علامه می‌فرماید:

«ای بنی‌آدم، بدانید که برای شما معایبی است که جز لباس تقوا چیزی آن را نمی‌پوشاند و آن، همان لباسی است که ما از راه فطرت به شما پوشانده‌ایم. پس زنهار! که شیطان فریبتان دهد و این جامه خدادادی را از تن شما بیرون کند؛ همان طوری که در بهشت از تن پدر و مادرتان بیرون کرد» (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۸: ۷۰).

حسینی همدانی چنین بیان می‌کند:

«خطاب نصیحت‌آمیز به سلسله بشر است که همواره متوجه لحظات زندگی و حرکات خود باشید و فریفته نیرنگ‌ها و پندهای شیطانی نشوید. بشری که بر حسب خلقت دو نیروی شهوت و غضب در نهاد دارد، در اثر سنخیت هر دو نیرو با کمال سهولت به صورت نیرو و نیرنگ ابلیس درمی‌آیند» (حسینی همدانی، ۱۴۰۴، ج ۶: ۲۹۱).

برخی از مفسران، واژه «فتنه» در این آیه را به معنای گمراهی (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۵: ۱۸۱) و برخی دیگر به معنای آزمایش به کار برده‌اند (میرزا خسروانی، ۱۳۹۰، ج ۲: ۲۱۹). مکارم شیرازی می‌گوید:

«مفسران برای واژه «فتنه» در این آیه معانی متعددی از جمله آزمایش، فساد، آزار و شکنجه اتخاذ کرده‌اند. ولی در حقیقت این آیه با آیه قبل پیوند داده شده است و آن این که، آن جا سخن از لباس ظاهری و معنوی انسان در میان آمده بود؛ ولی در این آیه هشدار می‌دهد که مراقب باشید که این لباس تقوا را شیطان از تن شما بیرون نکند و با فریب دادن است که شیطان می‌تواند این عمل را انجام دهد» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۲، ج ۶: ۱۳۷). بنابراین معنای «فتنه» در آیه مذکور همان فریب دادن (فریفتن) خواهد بود.

۱۰. فتنه به معنای معذرت خواستن و عذرخواهی

«ثُمَّ لَمْ تَكُنْ فِتْنَتُهُمْ إِلَّا أَنْ قَالُوا وَاللَّهِ رَبَّنَا مَا كُنَّا مُشْرِكِينَ» (انعام/۲۳)؛ «آنگاه عذرشان جز این نیست که می‌گویند: به خدا، پروردگارمان سوگند که ما مشرک نبودیم».

در اینکه «فتنه» در این آیه به چه معنی است، میان مفسران گفت‌وگو است؛ برخی آن را به معنی پوزش و برخی به معنای پاسخ و برخی دیگر به معنای شرک گرفته‌اند. ولی از امام صادق (ع)، نقل شده است که فتنه به معنی معذرت‌خواهی است (عروسی حویزی، ۱۴۱۵، ج ۱: ۷۰۸).

ظاهراً قسم خوردن در این آیه شریفه به خاطر آن است که این اعتذار نفعی داشته باشد و آمدن «رَبَّنَا» تأکید قسم است که شرکی در ما نبوده است (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۳: ۱۹۹). از ابن عباس نیز نقل شده است که «فتنه» در این جا به معنی معذرت‌خواهی است (سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۳: ۸). همچنین برخی از مفسران در تفاسیر خویش «فتنه» را در آیه مذکور به معنای معذرت و پوزش گرفته‌اند (رک: مغنیه، ۱۴۱۵، ج ۱: ۱۶۵؛ میرزا خسروانی، ۱۳۹۰، ج ۳: ۵۰؛ میبدی، ۱۳۷۱، ج ۳: ۳۲۰؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ج ۲: ۱۱۳).

نتیجه

آنچه از مقاله حاضر به دست می‌آید این است که واژه فتنه در قرآن کریم معانی مختلفی از جمله «شرک به خدا، عذاب اخروی، عذاب دنیوی، آزار و شکنجه، فریب دادن» و معانی دیگری که قبلاً بیان شد، دارد. این معانی با سیری در روایات معصومین علیهم‌السلام، تفاسیر و آثار لغویون به دست می‌آید. ولی در این بین معصومین علیهم‌السلام، کلمه «فتنه» را با توجه به آیات مختلف قرآن کریم، بیشتر در معانی «آزمون الهی، شرک به خدا، عذاب و آزار و اذیت» به کار برده‌اند. لذا با توجه به معانی مختلف «فتنه» و اسباب آن می‌توان گفت که مهم‌ترین راه فتنه و آزمایش ایمان و کفر، شخصیت و فقدان شخصیت، و میزان ارزش انسانی اشخاص، اموال و اولاد آن‌هاست؛ چرا که دلبستگی انسان به این دو بیش از هر چیز دیگر است و با توجه به فتنه‌هایی که برای انسان رخ می‌دهد، چه امتحان الهی باشد و یا فریب شیطان، تنها راهی که می‌تواند انسان را از این بلایا مصون نگاه دارد، صبر و بردباری است.

کتابنامه

- قرآن کریم، ترجمه مکارم شیرازی.
- نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی.
- ابن ابی الحديد معتزلی، عبدالحمید. (۱۴۰۴). شرح نهج البلاغه. قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴). لسان العرب. بیروت: دار صادر.
- ابوالفتوح رازی، حسین بن علی. (بی تا). روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی.
- اندلسی، ابوحیان محمد بن یوسف. (۱۴۲۰). البحر المحيط فی التفسیر. بیروت: دار الفکر.
- بانوی اصفهانی، سیده نصرت امین. (۱۳۶۱). مخزن العرفان در تفسیر قرآن. تهران: نهضت زنان مسلمان.
- بحرانی، هاشم. (۱۴۱۶). البرهان فی تفسیر القرآن. تحقیق قسم الدراسات الاسلامیه موسسه البعثه. تهران: بنیاد بعثت.
- برقی، احمد بن محمد بن خالد. (۱۳۷۱). المحاسن. قم: دارالکتب الاسلامیه.
- بروجردی، سید محمد ابراهیم. (۱۳۶۶). تفسیر جامع. تهران: صدر.
- جرجانی، ابوالمحاسن حسین بن حسن. (۱۳۷۷). جلاء الأذهان و جلاء الأحزان معروف به تفسیر گازر. تهران: دانشگاه تهران.
- حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹). وسائل شیعیه. قم: مؤسسه آل البيت.
- حسن زاده، شهریار و ربابه جهانبانی. (۱۳۸۹). «تدبیر خام و حسادت ناروا»، فصلنامه علمی - پژوهشی فدک دانشگاه آزاد اسلامی واحد جیرفت، س اول، ش ۴.
- حسینی استرآبادی، شرف الدین. (۱۴۰۹). تأویل الآيات الظاهرة. قم: جامعه مدرسین.
- حسینی همدانی، سید محمد حسین. (۱۴۰۴). انوار درخشان، تحقیق محمد باقر بهبودی. تهران: بی نا.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲). المفردات فی غریب القرآن، بیروت: دارالعلم الدار الشامیه.
- زمخشری، محمود. (۱۴۰۷). الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت: دارالکتب العربی.
- سیوطی، جلال الدین. (۱۴۰۴). الدر المنثور فی تفسیر المأثور، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
- شریفی، احمد حسین. (۱۳۸۹). موج فتنه از جمل تا جنگ نرم، تهران: کانون اندیشه جوان.
- طباطبائی، محمد حسین. (۱۴۱۷). المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه موسوی همدانی، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- طبرسی، ابوالفضل علی بن الحسن. (۱۳۶۰). مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: فراهانی.
- طریحی، فخرالدین. (۱۳۷۵). مجمع البحرین، تهران: کتاب فروشی مرتضوی.
- طوسی، محمد بن حسن. (بی تا). التبیان فی تفسیر القرآن. تحقیق با مقدمه شیخ آقابزرگ تهرانی و تحقیق عاملی. احمد قصیر. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- _____ (۱۳۶۵). التهذیب. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- طیب، عبدالحسین. (۱۳۷۸). اطیب البیان فی تفسیر القرآن. تهران: اسلام.
- عروسی حویزی، عبدعلی بن جمعه. (۱۴۱۵). نور الثقلین. قم: اسماعیلیان.

- فرات کوفی، ابوالقاسم فرات بن ابراهیم. (۱۴۱۰). تفسیر فرات الکوفی. تحقیق محمد کاظم محمودی. تهران: ارشاد اسلامی.
- فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۱۰). کتاب العين. قم: هجرت.
- فیض کاشانی، ملا محسن. (۱۴۱۵). تفسیر الصافی. تهران: صدر.
- قرشی، سید علی اکبر. (۱۳۷۱). قاموس قرآن. بی جا. دارالکتب الاسلامیه.
- کاشانی، ملافتح الله. (۱۳۳۶). تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین، تهران: علمی.
- کاشفی سبزواری، حسین بن علی. (۱۳۶۹). مواهب علیه، تهران: اقبال.
- کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق. (۱۳۶۵). الکافی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- محدث نوری. (۱۴۰۸). مستدرک الوسائل، قم: مؤسسه آل البيت.
- مجلسی، محمد باقر. (۱۴۰۴). بحار الأنوار، بیروت: مؤسسه الوفاء.
- مصباح یزدی، محمد تقی. (۱۳۷۹). قرآن در آیینه نهج البلاغه. قم: امام خمینی.
- مصطفوی، حسن. (۱۳۶۰). التحقيق فی کلمات القرآن الکریم. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- مغنیه، محمد جواد. (بی تا). التفسیر المبین. قم: بنیاد بعثت.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مهدویان، حسن و احمد نطنزی. (۱۳۸۶). نگاهی قرآنی به آزمون الهی. تهران: کانون اندیشه جوان.
- میبدی، رشیدالدین احمد بن ابی سعد. (۱۳۷۱). کشف الأسرار و عدة الأبرار، تحقیق علی اصغر حکمت. تهران: امیر کبیر.
- نجفی خمینی، محمد جواد. (۱۳۹۰). تفسیر آسان، تهران: اسلامیة.